گفت‌وگوی «جوان» با ۳ نفر از پیشکسوتان یگان ضدزره لشکر ۲۷ درباره عملیات خیبر در اسفند ۱۳۶۲ (بخش پایانی)

طلائیه کربلای بچه‌های یگان ضدزره بود

■ علیرضا محمدی

یگان ضدزره لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) پس از عملیات رمضان با ابتکار شهید علیرضا ناهیدی و توسط افرادی چون شهید مصطفی پالیزبان و مسعود صالحی تأسیس شد. این یگان در عملیات مسلم بن‌عقیل که اولین عملیاتش بود حضور یافت و عملکرد قابل قبولی از خود برجای گذاشت. سپس در عملیات دیگری چون والفجر مقدماتی، والفجر یک و ۳ شرکت کرد و نهایتاً در عملیات خیبر، تعداد قابل توجهی از نیروهای یگان به شهادت رسیدند. در حالی که در ایام انجام عملیات خیبر از سوم تا ۲۲ اسفند ۱۳۶۲ قرار داریم، در نشستی که با سیدمحسن خوشدل سادات‌حسینی، علی‌اکبر مصداقی و مهدی کرمی، سه تن از رزمندگان پیشکسوت یگان ضدزره لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) داشتیم، خاطرات نیروهای این یگان از حضور در عملیات خیبر و نحوه شهادت مصطفی پالیزبان و دیگر نفرات یگان ضد زره را تقدیم حضورتان می‌کنیم. بخش اول گفت‌وگو دیروز در همین صفحه منتشر شد.

از راست: جانباز متقیان، محسن خوشدل و شهید پالیزبان - روی موشک‌انداز غنیمتی بردم

عملیات خیبر

در عملیات خیبر قرار بود لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) در منطقه طلائیه وارد عمل شود. شکل جغرافیایی منطقه و وجود هور در سمت چپ طلائیه و همین‌طور آبگرفتگی که توسط دشمن ایجاد شده بود، باعث می‌شد تا کار روی دژ طلائیه با سختی‌های بسیاری همراه باشد. در این عملیات، نیروهای یگان ضدزره دو مأموریت عمده در پیش داشتند. یک‌سری از نیروها باید به جزایر مجنون می‌رفتند و یک‌سری نیز در خط طلائیه حضور پیدا می‌کردند. علی‌اکبر مصداقی آن روزها از طرف شهید مصطفی پالیزبان مأموریت گرفته بود تا به خط طلائیه برود.

مصداقی می‌گوید: «طبق روال یگان ضدزره، ما با بچه‌های خط‌شکن به منطقه عملیاتی ورود نمی‌کردیم، بعد که خاکریز دشمن فتح می‌شد، سریع در خط مستقر می‌شدیم و با پاتک‌های دشمن مقابله می‌کردیم.»

مصداقی ادامه می‌دهد: «در عملیات خیبر سه الی چهار شب گردان‌های پیاده لشکر ۲۷ به خط دشمن در طلائیه زدند اما موفق نشدند. نهایتاً گردان‌های لشکر ۱۴ امام حسین(ع) در طلائیه به خط زدند و موفق شدند به صورت محدود پیشروی کنند. آن روز شهید پالیزبان از من خواست سریع خودم را به خط مقدم برسانم و اوضاع منطقه را رصد کنم. وقتی به خط رفتم، لودرها با راهنمایی شهید عباس کریمی (فرمانده اطلاعات لشکر ۲۷) مشغول کار بودند. هنوز ارتفاع خاکریز به نیم متر نرسیده بود که دو تیم از بچه‌های یگان ضدزره به منطقه اعزام شدند. گروه اول بچه‌های موشک‌انداز میلان بودند که شهید پالیزبان همراه آنها بود. گروه دوم که تیم موشک‌انداز مالیوتکا بودند هم به فاصله پنج الی ۱۰ دقیقه بعد پشت سرشان حرکت کرده بودند.»

مصطفی پر کشید

علی‌اکبر مصداقی که آن روز شاهد شهادت فرمانده خود مصطفی پالیزبان بود این طور روایتش را ادامه می‌دهد: «گروه اول شهید پالیزبان و بچه‌های همراهش از راه رسیدند. نفرات این جیپ که لحظاتی بعد همگی به جز یک نفر به شهادت رسیدند، آقای آخوندی به عنوان تیرانداز، کمک‌هایش شهید مزینانی، شهید حسنقلی، شهید نصیر فرهادی و شهید بهروز غفاری از راه رسیدند. مصطفی پالیزبان هم سمت چپ راننده نشسته بود. به هم که رسیدیم، پالیزبان از جیپ پیاده شد و نزدیکم آمد. فاصله من و او به زور ۷۰ سانت می‌شد. جیپ دومتر آن طرف‌تر بود. داشتم با مصطفی حرف می‌زدم که یکهو موشکی کنارمان به زمین خورد و دود سیاهی منطقه را گرفت.»

مصداقی ادامه می‌دهد: «به خودم آمدم دیدم همه بچه‌ها درهم پیچیده‌اند. خودم دچار موج‌گرفتگی شده و ترکشی به رانم خورده بود، اما تک‌تک بچه‌ها را چک کردم. مصطفی هر دو پایش از بالای زانو قطع شده بود. بالای سرش که رسیدم هنوز به‌هوش بود. چشم باز کرد و من را نگاه کرد و گفت: خدایا خلاصم کن... خدایا خلاصم کن... بعد چشم بست و بیهوش شد. مصطفی چند دقیقه بعد در اورژانس صحرایی به شهادت رسید و همان لحظه شهادتش عکسی از او گرفتم. بعد از مصطفی به سراغ نفرات داخل جیپ رفتم. غفاری که راننده بود، دل و روده‌اش ریخته بود بیرون و وضعیت عجیبی پیدا کرده بود. فرهادی و مزینانی هر کدام یک دست و پای‌شان قطع شده و گوشت و پوست‌شان درهم آمیخته بود. حسنقلی هم موج انفجار پشت سرش را کاملاً برده بود. هر چهار نفر در دم به شهادت رسیده بودند اما آخوندی به صورت معجزه‌آسایی زنده مانده و دچار موج‌گرفتگی شده بود.»

اوضاع وخیم طلائیه

پنج دقیقه بعد از شهادت مصطفی پالیزبان و یارانش، تیم مالیوتکا به سرپرستی سیدمحسن خوشدل از راه می‌رسد. آنها با اشاره مصداقی برای اینکه روحیه نیروها تضعیف نشود بدون توقف، از کنار شهدا عبور می‌کنند. باقی ماجرا را خوشدل این‌طور تعریف می‌کند: «جیپ شهید پالیزبان را که دیدیم، آقای مصداقی اشاره کرد توقف نکنید. ۳۰۰ متر جلوتر، در گوشه‌ای از خاکریز مستقر شدیم. قبضه همراه ما مالیوتکای هدیه حافظ اسد بود. تیم مالیوتکای شهید عبدالرحیمی هم در گوشه دیگری از همین خاکریز مستقر شده بود. شهید حسین رفیعی‌راد از اعضای تیم ایشان در آن شلوغی خط ما را پیدا کرد و پیش‌مان آمد. من از رفیعی خواستم کمک کند مالیوتکا را مستقر کنیم، تا بالای خاکریز رفتیم، یکهو برگشتم دیدم گلوله‌ای آمده و سر رفیعی را برده است. پیش خودم گفتم اگر رفیعی را با همین اوضاع ببرند، حتماً پیکرش مفقود می‌شود. تنها چیزی که به ذهنم رسید نوشتن نام و مشخصات رفیعی با خودکار روی دستش بود. نوشتم و او را بردند و اتفاقاً چیزی که از آن می‌ترسیدم پیش آمد. پیکر ایشان اشتباهی به مشهد منتقل شد و مدت‌ها به عنوان شهید گمنام دفن شده بود تا اینکه پس از ۳۴ سال با آزمایش DNA شناسایی شد.» خوشدل در ادامه می‌گوید: «با مالیوتکا دو تانک دشمن را منهدم کردم اما چون قبضه ما قدیمی بود و باتری‌اش تعویض نشده بود، باتری از کار افتاد و دیگر نتوانستم شلیک کنم. رفتم پیش بچه‌های پنج رمضان که در گوشه دیگری با «موشک‌انداز بردم» کار می‌کردند. روی این موشک‌انداز شش موشک مالیوتکا سوار می‌شد. بچه‌های رمضان هر شلیکی که می‌کردند موشک ۳۰ الی ۴۰ متر آن طرف‌تر روی زمین می‌افتاد. رفتم و خودم را معرفی کردم و گفتم اجازه بدهید من شلیک کنم. ابتدا مخالفت کردند و بعد راضی شدند. همین حین وقتی در خط جابه‌جا می‌شدم، سرم زیر لوله یکی از تانک‌های خودی بود. ناگهان تانک شلیک کرد و موجش من را گرفت. گیج و منگ پیش بچه‌های رمضان برگشتم و با بردم آنها یکی از تانک‌های دشمن را منهدم کردم اما بلافاصله عراقی‌ها بردم را زدند و دست ما از آن هم کوتاه شد.»

طرح شهید ناهیدی

تیم شهید اکبر عبدالرحیمی با مالیوتکایی کار می‌کرد که ابتکار شهید ناهیدی بود. مهدی کرمی در خصوص «طرح شهید ناهیدی» می‌گوید: «موشک‌انداز مالیوتکا روی نفربرهای بی‌ام‌پی ارتش نصب بود. شهید ناهیدی طرحی ارائه داده بود به این مضمون که ما می‌توانیم سیستم هدایت موشک‌انداز مالیوتکا را از روی بی‌ام‌پی‌های از رده خارج باز کنیم و آن را داخل جعبه‌های آرپی‌جی مونتاژ کنیم. این طرح جواب داد و با استفاده از مالیوتکاهای بی‌ام‌پی، توانستیم چند قبضه دیگر دست و پا کنیم. یک مدتی این مالیوتکاها را از نفربرهای اسقاطی موجود در دوکوهه کش می‌رفتیم! بعد دستورش را از شهید صیاد شیرازی گرفتیم و از آن به بعد به تمامی مالیوتکاهای نفربرهای از رده خارج دسترسی پیدا کردیم.»

رحیمی هم شهید شد

خوشدل ادامه می‌دهد: «بعد از انهدام بردم، یادم افتاد رفیعی‌راد کمک اکبر عبدالرحیمی بود. می‌توانستم پیش اکبر بروم و با مالیوتکای او کار کنیم. رفتم عبدالرحیمی را پیدا کردم. از او خواستم روی خاکریز بیاید تا موشک‌انداز را کار بگذاریم. کمی عقب‌تر از ما یک لودر از کار افتاده بود. ما دقیقاً جلوی لودر روی خاکریز بودیم که یک گلوله خمپاره آمد و خورد به بیل لودر. ترکش‌هایش من و اکبر را به شدت مجروح کرد. حال اکبر واقعاً وخیم بود. یکی از پاهایش قطع شده و پای دیگرش به‌هم پیچیده بود و از عقب بالا آمده بود. مرتب با او صحبت می‌کردم تا متوجه وضعیت پاهایش نشود اما یک آن برگشت و به عقب نگاه کرد. وقتی پایش را در آن وضعیت دید، چشم‌هایش را بست و بیهوش شد. من یک سمت بدنم از بالا تا پایین ترکش خورده بود. ضعف به تن مستولی شده بود. این طرف و آن طرف را که نگاه کردم، دیدم برادر سمعیانی کمک عبدالرحیمی دارد به سمت ما می‌دود.» کرمی در ادامه خاطرات خوشدل می‌گوید: «دکتر سمعیانی بعدها تعریف کرد: با فریاد بچه‌ها متوجه مجروحیت خوشدل شدم و به سمتش رفتم. اول فکر کردم چشمش بیرون آمده است، بعد متوجه شدم بالای ابرویش ترکش خورده. چفیه‌ام را به او دادم. صورتش را پاک کرد و گفت بچه‌ها بروید دنبال آمبولانس، عبدالرحیمی جفت پاهایش قطع شده است. این را که شنیدم آه از نهادم بلند شد. یک ساعت قبل پالیزبان که ۵۰ تانک عراقی را زده بود شهید شد و حالا خوشدل که ۴۵ تانک و بی‌ام‌پی دشمن را زده بود این‌طور مجروح بود و عبدالرحیمی هم که چند تانک و نفربر زرهی و یک اوراز فرماندهی بعثی‌ها را منهدم کرده بود، در شرف شهادت بود...»

> یک ساعت قبل پالیزبان که ۵۰ تانک عراقی را زده بود شهید شد و حالا خوشدل که ۴۵ تانک و بی‌ام‌پی دشمن را زده بود این‌طور مجروح بود و عبدالرحیمی هم که چند تانک و نفربر زرهی و یک اوراز فرماندهی بعثی‌ها را منهدم کرده بود، در شرف شهادت بود

تخلیه طلائیه

کار در محور طلائیه با فشار شدید دشمن گره می‌خورد و یکی دو روز بعد از شکسته شدن خط دشمن در این منطقه، فرماندهان دستور عقب‌نشینی را صادر می‌کنند.

مصداقی می‌گوید: «بعد از شهادت پالیزبان مسئولیت یگان به عهده من بود. موقع عقب‌نشینی از خط طلائیه وقتی همه نیروهای پیاده برگشتند، متوجه شدم شهید ایوب صبوریان و محسن رجبی از بچه‌های یگان ضدزره نیامده‌اند. استرس به جانم افتاده بود که یا شهید شده‌اند یا به اسارت درآمده‌اند. سه ساعت بعد هر دو خاک و خل برگشتند. از دیدن‌شان هم خوشحال شدم هم عصبانی که چرا دیر آمده‌اند. ضمن اینکه قبضه مالیوتکا همراه‌شان نبود. ایوب گفت چون برگرداندن مالیوتکا سخت بود مجبور شدیم یک نارنجک داخل جعبه‌اش بیندازیم و آن را منفجر کنیم تا به دست دشمن نیفتند. در برگشت دیدیم یک خمپاره‌انداز با حدود ۲۰۰ گلوله در منطقه جا مانده است. حیف‌مان آمد دست دشمن بیفتد. ایستادیم و تمام ۲۰۰ گلوله خمپاره را شلیک کردیم، آن‌قدر که لوله خمپاره از داغی سرخ شده بود. برای همین دیر برگشتیم.»

در محور جزایر مجنون، چند نفر از نیروهای یگان ضدزره مانند مهدی کرمی و گودرزی و دارایی حضور پیدا کرده بودند که به گفته کرمی این دو (گودرزی و دارایی) توانستند چند تانک و خودروی زرهی دشمن را منهدم کنند. یگان ضدزره در عملیات خیبر آسیب بسیاری دید. نیروهایی چون پالیزبان، مزینانی، فرهادی، حسنقلی، غفاری، رفیعی‌راد، عبدالرحیمی و... به شهادت رسیدند و نیروی نخبه‌ای چون خوشدل مجروح شد؛ اما در خلال سال ۱۳۶۳، علی‌اکبر مصداقی که پس از پالیزبان به فرماندهی ضدزره رسیده بود، شروع به بازسازی یگان و همین طور گسترش آن کرد که در نتیجه در عملیات بدر، ده‌ها تانک و خودروی دشمن توسط یگان ضدزره لشکر ۲۷ منهدم شدند.

تصویر شهید پالیزبان دقایقی پس از شهادت که توسط همرزمش علی‌اکبر مصداقی ثبت شده است

نگاه

سردار شهید علیرضا ناهیدی در یک نگاه

فرمانده خوش‌فکر تیپ ذوالفقار در ۲۲ سالگی آسمانی شد

■ محمدرضا محمدی

شهید علیرضا ناهیدی فرمانده تیپ ادوات ذوالفقار لشکر ۲۷ از سرداران گمنامی است که با وجود حماسه‌آفرینی‌ها و ایثارگری‌هایی که در دفاع مقدس داشت کمتر به او پرداخته شده است. نگاهی کوتاه به زندگی جهادی وی را پیش رو دارید.

علیرضا ناهیدی سال ۱۳۳۹ در تهران به دنیا آمد. دیپلمش را در سال ۱۳۵۸ گرفت و سال بعد به صورت بسیجی به کردستان رفت. او در آنجا با فردی آشنا شد که مسیر زندگی‌اش را تا حد زیادی تغییر داد.

ناهیدی در مریوان با حاج‌احمد متوسلیان همراه شد و به همراه محسن نورانی دوست و همراه همیشگی‌اش، با غنیمت گرفتن تعدادی از خمپاره‌اندازهای دشمن، یگان خمپاره‌ای را در مریوان تشکیل داد.

این یگان بعدها تبدیل به گردان ادوات شد. با آمدن حاج‌احمد متوسلیان به جبهه‌های جنوب و تشکیل تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) علیرضا ناهیدی هم به جنوب رفت و گردان ادوت را تشکیل داد.

این گردان متشکل از یگان‌های مختلف همانند یگان توپ ۱۰۶، توپ ۱۲۰، دیده‌بانی، پشتیبانی و... بود.

ناهیدی که از فکر بازی برخوردار بود، تصمیم گرفت در کنار یگان‌های مرسومی که در گردان‌های ادوات سپاه وجود داشتند، یگان ضدزره را در گردان ادوات تشکیل دهد.

این یگان در تمام لشکرهای سپاه منحصر به فرد بود.

ناهیدی اعتقاد داشت اگر دشمن از نیروی زرهی قدرتمندی برخوردار است، ما هم باید متناسب با آن، یک یگان ضدزره قوی اینجا کنیم.

وی همچنین برای آنکه کمبود تسلیحات یگان مزبور را تأمین کند، طرح مونتاژ موشک‌اندازهای مالیوتکای مستقر روی نفربرهای بی‌ام‌پی را داد.

در دوران فرماندهی شهید ناهیدی، گردان ادوات تبدیل به تیپ ادوات ذوالفقار شد اما عمر زمینی علیرضا کوتاه بود و وی پس از حضور در لبنان و سپس بازگشت به جبهه‌های جنگ، روز ۲۸ بهمن ۱۳۶۱ در خلال عملیات والفجر مقدماتی با اصابت ترکش خمپاره دشمن به سر و قلبش در سن ۲۲ سالگی به شهادت رسید.

یادکرد

مروری بر عملکرد یگان ضدزره لشکر ۲۷ در عملیات بدر

انهدام ۶۰ تانک در ۲ روز

■ غلامحسین بهبودی

عملیات بدر یکی از شاهکارهای یگان ضدزره لشکر ۲۷ بود. در خلال این عملیات، حدود ۶۰ تانک و خودروی زرهی دشمن توسط نیروهای یگان ضدزره لشکر ۲۷ منهدم شد. متنی که می‌خوانید برگرفته از گفت‌وگوی ما با رزمندگان این یگان است.

در عملیات بدر علی‌اکبر مصداقی فرمانده یگان ضدزره بود. معاون وی سیدمحسن خوشدل سادات‌حسینی، نخبه‌ای بود که می‌توانست با مالیوتکا دورترین اهداف را منهدم کند! در بدر که عدم‌الفتح رخ داد، تانک‌های دشمن فشار زیادی روی نیروهای خودی می‌آورند تا بلکه بتوانند فاصله‌ای بین عقبه و گردان‌های خط‌شکن ایجاد کنند و چندین گردان از رزمندگان ایرانی را به اسارت درآورند.

شهید عباس کریمی که پس از شهید همت فرماندهی لشکر ۲۷ را برعهده گرفته بود، با اطمینان از عملکرد یگان ضدزره لشکر خود، در همان روز اول عملیات آنها را به خط مقدم درگیری می‌برد تا مقابل تانک‌های دشمن ایستادگی کنند. روز اول ورود یگان ضدزره به خطوط درگیری، فاجعه‌ای برای تانک‌های دشمن رقم می‌خورد! تنها در همین روز، محسن خوشدل ۲۸ تانک دشمن را منهدم می‌سازد. از سوی دیگر، برادر گودرزی، دیگر نیروی نخبه یگان که مأموریت وی با خوشدل همپوشانی منطقه بود، حدود ۱۸ تانک دشمن را منهدم می‌کند. قرار بود خوشدل تانک‌ها را در فاصله دور و گودرزی آنهایی را در فاصله کمتر هستند منهدم کند. در این عملیات عملکرد خوشدل به حدی خوب بود که وی در همان روز اول، یک کمرشکن (کامیون حامل تانک) دشمن را در فاصله دو کیلومتری مورد اصابت موشک مالیوتکا قرار می‌دهد و آن را منهدم می‌سازد.

روز دوم تا لحظه‌ای که سیدمحسن خوشدل مجروح شده و یکی از چشم‌هایش را از دست می‌دهد، می‌تواند چهار تانک دیگر دشمن را منهدم کند و با احتساب تانک‌های روز قبل، وی به تنهایی ۳۲ تانک و خودروی زرهی دشمن را منهدم می‌کند. از طرفی دیگر نیروهای یگان همچون مهدی کرمی نیز چند تانک دشمن را منهدم می‌کنند و روی هم رفته، بچه‌های یگان ضدزره لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) حدود ۶۰ تانک و نفربر زرهی دشمن را در عملیات بدر منهدم می‌سازند که رکورد فوق‌العاده‌ای در آن مقطع جنگ محسوب می‌شد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۱۶۵

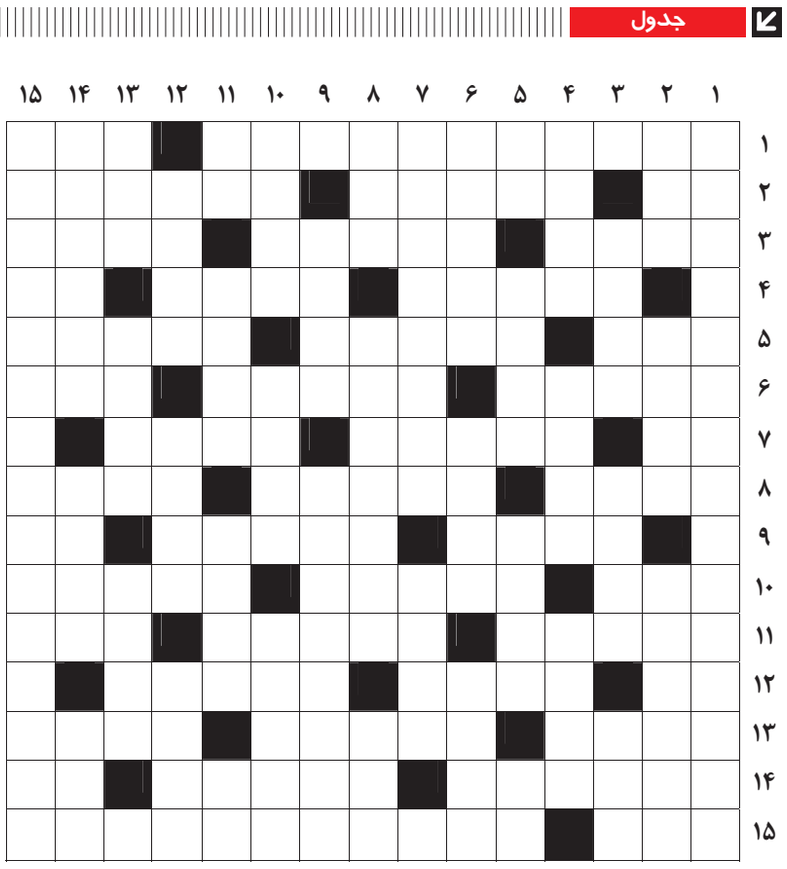

از راست به چپ

■ ۱- مسیر حرکت ظاهری خورشید در طول یک سال- پشیمانی ■ ۲- دندان- بلدرچین- پراکندن ■ ۳- بهار خواب- خیمه- تیزی کوه ■ ۴- زمانه؛ عصر- مرد بی زن- ماه شاعرانه ■ ۵- خمیازه- جمع ملک؛ دارایی- گواهی‌نامهٔ پایان تحصیلات متوسطه ■ ۶- گودال زیرزمینی- مخترع- رود مرزی ■ ۷- چوب خوشبو- نور اندک- نوعی استخدام ■ ۸- از اسامی بانوان- باور قلبی- از جنس فلز قرآنی ■ ۹- از ملزومات خطاطی- مقابل آباد- انتها ■ ۱۰- کشور صنعا- از دریاچه‌های مرزی امریکا و کانادا- عنقا ■ ۱۱- بیماری- یتیمان- عبا ■ ۱۲- دختر لری- چشمداشت- واحد سنجش زمین لرزه ■ ۱۳- کبوتر صحرایی- شهری در هرمزگان- باز شکاری ■ ۱۴- نوعی شیرینی- مجمع و محفل- مفلوج ■ ۱۵- شش- دو نعمت ناشناخته برای انسان و جامعه

از بالا به پایین

■ ۱- اقدامی که رسول خدا می‌فرمایند انجامش کینه‌ها را از دل‌هایتان بیرون می‌کند ■ ۲- زشت‌تر- لوح فشرده- جیره و حقوق ■ ۳- نان‌خورش- خواهش- چوب بلند کبوترپرانی ■ ۴- نویسنده فرانسوی قرارداد اجتماعی- کشاورز- میوه ترش و شیرین ■ ۵- گربه عرب- موش خرما- کوچک‌تر- حرف انتخاب ■ ۶- تهمت زدن- گلی از گل‌های بهاری- مادر مسیح ■ ۷- فوق ستاره فوتبال جهان که بیشترین توپ طلا را تاکنون از آن خود کرده است- دوا ■ ۸- درخور- جزیره‌ای در خلیج فارس- چینه دیوار ■ ۹- جنگ‌افزار ورزشی- سیستم ارتباطی درون‌سازمانی ■ ۱۰- سیم و کابل- ضربه ای در فوتبال- زمین خالصه ایلخانان مغول ■ ۱۱- از ما بهتران- قهرمان مبارزه با استبداد رضاخان- ضربه‌ای در بدمینتون- فلز سرخ ■ ۱۲- دلجویی- خالق ارژنگ- دالانه ■ ۱۳- تراوش مایعات- بنیاد؛ شالوده- تکرار شده ■ ۱۴- مخترع موتورسیکلت- شجاع- سبزی ضد سرطان ■ ۱۵- کنایه از اینکه کالای دیگران بهتر از مال خودی به نظر می‌آید

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

						۲		۱
			۱	۴	۹			
۴	۵							
						۳		۹
۲			۳	۱				
۳	۴		۶					
							۶	
۵					۱			۸
	۹	۸			۵		۳	

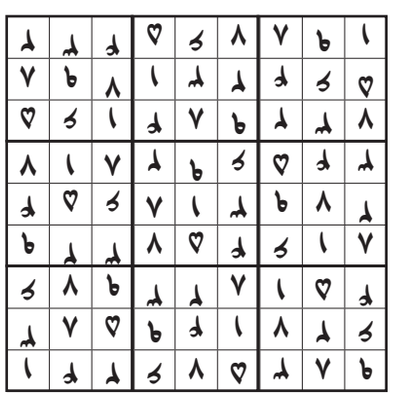

جدول کلمات متقاطع
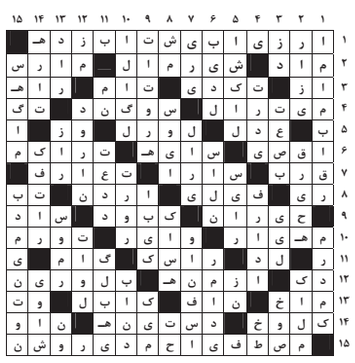
پاسخ جدول شماره ۶۱۶۴